



## خانواده و سبک زندگی اسلامی (خانواده قرآنی)

علی اکبر قندانی آرانی، زهرا صادقی آرانی

1 دکترای ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

*ghandaniakbar@yahoo.com*

2 کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش آران و بیدگل

*z.sadeghi.a1@gmail.com*

### چکیده

خانواده، نهادی است که با وجود تحولات اساسی جامعه، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای روحی و معنوی بشر است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم می‌آورد. در قرآن کریم آیات زیادی در رابطه با خانه و خانواده بیان شده است که نشان از اهمیت این نهاد مقدس می‌باشد. مهم‌ترین بنیان خانواده برای داشتن خانواده‌ای مطلوب که عشق و دوستی است در قرآن نیز به صراحت بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: خانواده، قرآن، خانه، مودت و رحمت

### مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون، به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی‌اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد.



قرآن کریم چشمه فیاضی است که هدفی جز تربیت و هدایت انسانهاورهنمون ساختن کاروان بشری به سر منزل سعادت دنبال نمی کند. اهمیت تشکیل خانواده و شئون و اصول مربوط به آن در دین اسلام واضح تر از آن است که نیازی به اثبات داشته باشد و همین اهمیت هم باعث شده است که خداوند جلّ شأنه در قرآن جملاتی نهایی و سازنده ترین مطالب را مطرح نماید. قرآن به عنوان منبع اصلی و لا یزال دین مبین اسلام؛ بر کارکرد انسانی و اجتماعی خانواده توجه داشته و دستوراتی نجات بخش و روشنگر در این باره فرود آورده است.

امروزه اختلال در نظام مقدس خانواده و بی اعتنایی به اصول ضروری و ارزشهای آن است که پایه های اصلی زندگی را به تباهی کشیده و مهمترین عامل در ارتکاب رفتارهای هنجار شکن قلمداد شده است.

در این مقاله تلاش شده است که الگوها و اسوه هایی که در قرآن به عنوان خانواده های برتر شناخته شده اند و همچنین کارکرد و جایگاه خانه با توجه به آیات قرآن و نیز داشتن خانواده مطلوب از دیدگاه قرآن بیان شده است تا راهی را در پیش روی خانواده قرار دهد تا این نهاد مقدس بتواند از به تباهی کشیده شدن فرزندان و به تبع آن جامعه جلوگیری نماید.

### تعریف خانواده از منظر قرآن

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از ره آورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده های اجتماعی است. در آیه 74 سوره فرقان می خوانیم: (والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّة أعین و اجعلنا للمتقین إماماً) و کسانی که می گویند خدای ما را از همسران مان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان. این آیه بر اهمیت خانواده و پیش آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می کند. در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عاداتها، تمایلات و اهداف والدین از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواستها و تمایلات خودشان از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می شوند. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از مئیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید (بهشتی، 1385، ص 15). از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه 21 سوره روم آمده است: (و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون) از نشانه های او این است که از خود شما جفتیایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند. در این آیه چند نکته و نقطه با اهمیت درباره خانواده وجود دارد که شایسته بررسی است:



1. أزواجاً من انفسکم؛ همسرانی از خودتان. بر اساس این تعبیر، رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده است. چنان که پیش تر اشاره کردیم انسان موجود اجتماعی است که رشد، شکوفایی و تکامل او در گرو ارتباط با دیگران و سختیها و مشکلات این مسیر می باشد؛ چرا که راه کمال بی پایان است. و در هر مرحله از مراحل زندگی و رشد، یک سلسله نیازهای ویژه درونی وجود دارد که خود را در عمل ارتباط با دیگران نشان داده و انعکاسی از نیاز درونی انسان نسبت به خواسته ها و ایده آل های اوست. پیوند میان زن و شوهر چیزی جز پیوند دوستی پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست. در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچ گونه ترس یا ملاحظه ای آشکار می شود، خانواده محیطی است که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است، زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و بررسی آنها و رهایی از چنگ آنها با خودسازی بیش از هر جای دیگر میسر می شود. بنابراین در نگاه اسلام، آلودگیهای درونی بدتر از زشتیهای بیرون است و محیطی که در آن امکان ظهور و بروز نقاط منفی شخصیت بدون ترس از کیفر وجود دارد - که همان خانواده است - از این ویژگی نیز برخوردار است که امکان رهایی از آن ضعفها نیز در آن فراهم است. به هر حال با نیروی عشق و محبت می توان به دشوارترین مقصودها رسید. (بهشتی، 1385، ص 25)

2. و جعل بینکم مودة؛ میانتان دوستی برقرار ساخت. دومین نقطه مهم در خانواده محبت بین زن و شوهر است؛ آنها با تعامل دوستانه و همکاری در مسیر شناخت خود و خدای خود به آرامش می رسند و در وادی امن الهی گام می نهند؛ از همین رو تعبیر (لتسکنوا الیها) در آیه شریفه آمده است.

3. لتسکنوا؛ تا آرامش یابید. (سکنی) دست یافتن به مقام سکونت و آرامش است، و این تعبیر در قرآن اشاره به این واقعیت دارد که آرامش، مقام و موقعیتی است که انسان در پهنه هستی باید بدان دست یابد و از دیدگاه قرآن وظیفه خانواده زمینه سازی برای همین هدف است، حال چه برای زن و شوهر، یا کسانی که راه آنان را ادامه می دهند؛ یعنی فرزندان. (بهشتی، 1385، ص 27)

4. رحمة؛ اصل مهربانی. الفت زن و شوهر و همکاری آن دو با نیروی عشق و محبت در مسیر کمال، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می آورد، پس پیوند سالم است که ضامن فراهم شدن زمینه مناسب برای ارتباط مسؤولانه و ماندگار است و این چیزی است که نوگامانی که در آغاز راهند، از آن الگو می گیرند و در روابط آینده شان با جامعه به عنوان سرمشق بدان می نگرند. پیامدهای رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابط شان با فرزندان است، بلکه نوع تعامل والدین با یکدیگر سنگ بنای شخصیت روانی فرزندان را می نهد که اگر سالم بود، رحمت به بار می آورد. منظور از سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر، بیشتر، تلاش در جهت تعالی و تکامل دوسویه با وجود تفاوتهای طبیعی و ذاتی است تا توافق و تفاهم میان آنها. بنابراین چنان که یک سری تفاوتهای فیزیولوژیکی میان زن و مرد وجود دارد، یک سلسله تفاوتهای مهم روانی نیز دارند؛ چنان که آیات کریمه زیر بدین نکته اشاره دارد: (و اللیل إذا یغشی. والنهار إذا تجلی. و ما خلق الذکر و الأنثی. إن سعیمک لشی) (لیل 4-1) با این حال تا آنجا که به روحیات و ویژگیهای شخصیتی مربوط می شود، تفاوت آنها همچون تفاوت فیزیولوژیک نیست و ارتباط به بعد زنانگی و مردانگی افراد ندارد. این شرایط اجتماعی، خانواده و فرهنگ است که عوامل مؤثر در شخصیت افراد به شمار می آید و دوگانگی هایی در چگونگی رفتار و کارهای زن و مرد می آفریند. اینجاست که رسالت خانواده یعنی تفاهم و دوستی متقابل برای کنار آمدن و تعامل با میلهها و گرایشهای متفاوت به عنوان عناصر تشکیل دهنده واحد



شخصیت انسان، به صورت دقیق تعیین می‌شود. چیزی که راستی، اطمینان، فروتنی، تقوا و پرهیز از خودمحوری را می‌طلبد و فرزندان را و می‌دارد تا از آن در روابط اجتماعی شان با دیگران الگو بگیرند، به گونه‌ای که تفاوت‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی دیگران را همچون تفاوت‌های پدر و مادر خودشان از عوامل تکامل بدانند و این گونه تعامل است که زمینه تفاهم بین ملتها و سازگاری بین باورهای گوناگون را فراهم می‌کند و سبب صلح و امنیت در سطح بین‌المللی می‌گردد. پدر و مادر مسؤول تربیت فرزندان شان به چنین روشی هستند و بر اساس حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) فرزندان، امانتهایی در دست پدر و مادرند که باید از آنها مراقبت کنند، بدون اینکه احساس مالکیت نسبت به آنان داشته باشند. فرزند در رشد و بالندگی خود نیازمند عطف و مهربانی پدر و مادر است، که این محبت و مهربانی دو اثر اساسی دارد: یک. هسته ضروری تکامل و ایجاد اطمینان اولیه در روح کودک است. دو. زمینه پیدایش روح دوستی و مهربانی در ارتباط کودک با دیگران می‌شود.

فرزندان نیز یک سلسله مسؤولیتهایی در برابر والدین دارند. از دیدگاه قرآن شایسته است که رفتار فرزندان در برابر پدر و مادر آمیخته با احترام و محبت باشد؛ خداوند می‌فرماید: (فلاتقل لهما أف) و بر فرزندان لازم است که از پدر و مادر خویش نگهداری و مراقبت کنند، همان گونه که در سوره اسراء می‌فرماید: (و قضي ربك ألا تعبدوا إلا آياه و بالوالدين إحساناً إماً يبلغن عندك الكبر أحدهما أو كلاهما فلا تقل لهما أف و لاتنهرهما و قل لهما قولاً كريماً. و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما كما ربياني صغيراً) (اسرا 23-24) پروردگارت مقرر فرمود که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، چنانچه یکی یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسند به ایشان سخنی رنجش آور نگو و بر سرشان فریاد مکن و با ایشان سخنی کریمانه بگو. و با آنان مهربانانه فروتنی کن و بگو پروردگارا همان گونه که آنها مرا در کودکی پرورش دادند تو نیز آنها را مشمول رحمت خویش گردان. بی‌گمان این احترام گذاشتن به معنای دعوت فرزند به تقلید و رهروی از پدر و مادر بدون تفکر و اندیشه نیست، زیرا این کار از نگاه قرآن نادرست است. از دیدگاه قرآن هر انسانی باید با فکر و اندیشه خودش راه درست از نادرست، هدایت از ضلالت را تشخیص دهد، چنان که در آیه 21 سوره لقمان می‌خوانیم: (و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا أو لو كان الشيطان يدعوهم إلى عذاب السعير) و چون به ایشان گفته شود از آنچه خدا فرستاده پیروی کنید، گویند ما آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی می‌کنیم؟ آیا هر چند شیطان به آتش دوزخشان فرا خواند. از سوی دیگر تأکید همواره بر نقش اصلی خانواده در رشد فرزندان و تکوین شخصیت آنان، نباید این گونه تفسیر و فهمیده شود که انسانی که به بلوغ رسیده است، قدرت بر تحول وجودی و تکامل ندارد، زیرا انسان در هر حال مسؤول کارهای خویش است: (كل نفس بماكسبت رهینه). اگر در این زمینه دچار عقب ماندگی شد پدر و مادر او مسؤول نیستند، چنان که اگر کار نیکی انجام داد پاداش می‌گیرد. (بهشتی، 1385، صص 28-30). خداوند در آیه 21 سوره طور فرموده است: (والذين آمنوا و اتبعتم ذریتهم بایمان ألقنا بهم ذریتهم و ما ألتناهم من عملهم من شیء كل امرء بما کسب رهین) و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان در پی ایشان رفتند، آنان را بدیشان ملحق می‌کنیم و از عمل ایشان چیزی نمی‌کاهیم؛ هر که در گرو کارهای خویش است، به رغم دلالت‌های روشن قرآن بر تساوی زن و مرد، متأسفانه در برخی جوامع اسلامی، زن در خانواده یا در سطح جامعه در معرض ستم قرار دارد. البته این بدان معنی نیست که زن در کشورهای اروپایی وضع بهتری دارد و از موقعیت شایسته انسانی برخوردار است، بلکه در آنجا نیز زن مورد ستم است اما به شکلی دیگر. یکی از علت‌های ستم بر زن، ساز و کارها و باورهای رایج جامعه است. دیگر اینکه زن در طول تاریخ به طور مستقیم به سراغ متون و فهم و تفسیر آنها نرفته است تا بتواند حق خود را اثبات کند، بلکه بیشتر



موارد این کار را به مرد وانهاده است. علاوه بر این دو، علت سومی نیز برای عقب ماندگی زن در جوامع اسلامی وجود دارد و آن در آمیختگی دو بعد وجودی انسان در مقام فهم حقوق زن است: 1. بعد جنسی زن و مرد؛ 2. بعد معنوی و الهی. زن و مرد اگر چه از نظر فیزیولوژیک متفاوتند، ولی از ناحیه روحی و معنوی هر دو انسان هستند (مطهری، 1376، ص 76). همانطور که قرآن کریم می‌فرماید: (انْ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اتْقَاکُمْ). از نگاه اسلام، انسان تا هنگامی که از بند کششها و وابستگی های مادی آزاد است رو به سوی کمال و رشد معنوی در حرکت است و زمینه این رشد در هر دو جنس زن مرد فراهم است. بنابراین تکیه بر جنسیت در حقوق خانواده - یعنی جایی که ارزش پیوند و یگانگی در چارچوب روابط فیزیولوژیک محدود نمی‌ماند - به عقب ماندگی زن می‌انجامد. با توجه به همین واقعیت تبعیض و نابرابری بین زن و مرد در برخی خانواده های مسلمان، گروهی از منتقدان مغرض غرب و شرق گمان کرده اند که حقوق زن در اسلام کمتر از حقوق مرد است. در پاسخ اینان باید گفت که جست و جو و دریافت ما از اسلام و قرآن چیز دیگری است. ما به قرآن به عنوان یک مجموعه مرتبط و هماهنگ نگاه می‌کنیم، چنان که در خود قرآن نیز آمده است که آیاتش برخی محکم و برخی مشابه است و فهم و تبیین بعضی از آیات در پرتو بعضی دیگر خواهد بود. (بهشتی، 1385، ص 35). ما برای تنظیم حقوق خانواده به صورت عادلانه از روش زیر استفاده می‌کنیم:

1. زن و مرد در قرآن از نظر آفرینش برابرند. در آیه نخست سوره نساء آمده است: (یا ایها الناس اتقوا ربکم الّذی خلقکم من نفس واحدہ و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجلاً کثیراً و نساءً)
2. فرصتهای رسیدن به مراحل رشد و کمال بشری برای زن و مرد همسان است؛ در این زمینه آیه 13 سوره حجرات می‌گوید: (یا ایها الناس انّا خلقناکم من ذکر و اُنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا انّ اکرّمکم عندالله اتقاکم...)
3. زن و مرد در پاداش نیز برابر هستند؛ در این زمینه آیه 35 سوره احزاب قابل توجه است. برای تحقق بخشیدن عادلانه به این سه زمینه که قرآن بارها از آنها یاد کرده است، بایسته است که شرایط پیشرفت و کمال برای زن و مرد به صورت یکسان فراهم گردد. قرآن در بیشتر موارد، مردم را به تدبیر، تفکر و اندیشیدن در مسائل مربوط به انسان و طبیعت فرا می‌خواند و به فهم و شنیدن آیات الهی و عبرت گرفتن از آنها ترغیب می‌کند. قرآن همیشه ایمان را با عمل شایسته مترادف و در کنار یکدیگر می‌آورد. آیا می‌توان دو عنصر زمان و مکان را در عمل شایسته نادیده گرفت؟ پیش از طلوع اسلام، زن کمترین حقی نداشت؛ دختران را زنده به گور می‌کردند، مرد حق داشت تا هر چند بار که دلش می‌خواست ازدواج کند. آموزه های اسلام برای تثبیت حقوق زن، در آن زمان پدیده ای کاملاً جدید و پیشرفته بود، زیرا دین اسلام برای دگرگون سازی و پیشرفت انسان آمده بود، و بهترین راه برای رسیدن به این هدف، تغییر گام به گام و تدریجی است، زیرا تغییر یک روزه و دگرگون کردن یک باره سنتها و عاداتهای اجتماعی نه درست بود و نه سودمند. اما امروز با توجه به همان حقایق قرآنی که یاد شد؛ یعنی تأکید بر برابری ارزش وجودی زن و مرد و فراهوانی مردم به تفکر و اندیشیدن در آیات روشن الهی و نتیجه گیری عبرتها و نکات حکیمانه از آنها، می‌توان گفت که حقوق زن و مرد در خانواده مساوی است و معیار در مدیریت هر یک از زن و مرد در امور خانواده، تقوا و شایستگی است نه جنسیت. در اینجا بایسته است نکته دیگری مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه اگر زن و مرد نتوانستند به تفاهم و یگانگی مورد انتظار برسند و ناهمدلی های ناشی از نوع رابطه و رفتارشان آنان را از یکدیگر دور کرد، اسلام در چنین حالتی طلاق را به رغم ناپسندی و نکوهیدگی آن به عنوان راه حل پیشنهاد می‌کند.



### خانواده و پیامبران

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال، بزرگ‌ترین و اثرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می‌آید، به گونه‌ای که می‌تواند منشأ تحول فردی و اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد. خانواده، مهم‌ترین نهادی است که فرد در آن پرورش می‌یابد. بنابراین، سرمایه‌گذاری و توجه هرچه بیشتر به این نهاد مقدس، از رسالت معلمان به ویژه پیامبران و پیشوایان ادیان قرار گرفته است. امروز نیز بشر همین رویکرد را پی می‌گیرد تا جایی که دولت‌ها به رشد و توسعه کیفی خانواده توجه می‌کنند و می‌کوشند با در اختیار قرار دادن امتیازها و تسهیلات رفاهی، آموزشی و مشاوره‌ای، به ارتقای سطح بهداشت و سلامت روانی خانواده کمک کنند؛ زیرا این کار، بر تربیت نسل آینده اثر مستقیم خواهد داشت.

### خانواده های الگو در اسلام

اولیای دین همواره در زندگی خویش به دو اصل اهمیت پیروی از الگوی شخصیتی و رفتاری و اعتبار آن توجه داشته و بر همین اساس، مردم را به پیروی از الگوهای مناسب دعوت کرده‌اند. یکی از این الگوهای مناسب رفتاری از دیدگاه قرآن، حضرت ابراهیم علیه‌السلام است. افزون بر وی، خداوند در قرآن کریم، به افراد اعلام می‌کند که پیامبر اعظم علیه‌السلام، الگویی نیکو برای پیروی است. امام علی علیه‌السلام که از نزدیک، شاهد همه رفتارها و شیوه های زندگی رسول خدا صلی الله علیه وآله بود، ایشان را بهترین سرمشق می‌داند که همگان را برای همانندسازی کافی است. بر اساس آیات قرآن، پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و خانواده او، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری بسیار مناسب و به دور از هرگونه نابهنجاری رفتاری، شخصیتی و اخلاقی هستند که می‌توانند برای بشر در تمامی زمانها و مکانها بهریت و مناسبترین الگو باشند و خانواده را به سعادت واقعی خود برسانند.

### کارکرد و جایگاه خانه در قرآن

واژه ی بیت به معنای خانه ، هفتاد و یک بار با مشتقات آن در صیغه های بیت و جمع آن بیوت در قرآن کریم آمده است . این کلمات در دوازده مورد با مصداق بیت الله، یعنی کعبه (خانه خدا ) ، دو مورد برای بیت عتیق ، دومورد بیت معمور و باقی به معنای خانه همان محیط مخصوص زندگی خانواده ، آمده است .

با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن به کلمه بیت ، چنین به دست می آید که این مکان مسقف محدود که محل اجتماع و زیست جمعی بشر و اولین محیط رشد و پرورش است ، مورد عنایت حق بوده و بر حسب کارایی و جایگاهش در حیات انسانی ، ازاهمیت بسزایی برخورداراست. ( راغب اصفهانی، بی تا، ص 75) دراینجا به بعضی از این موارد اشاره می شود:

### محل تسکین:

اولین کارکرد خانه ، تامین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه ی این محیط برای اعضاست . فضای محدود و امن خانه ، حریمی برای ابراز احساسات بیان اسرار ، ارضای غرایز و تامین نیازهای جسمی و روحی انسان است . این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می دهد و می فرماید : و الله جعل لکم من بیوتکم سکنا : خداوند از خانه های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد.(نحل، 80) واژه سکن به معنای هر چیزی است که انسان به



وسیله ی آن تسکین یابد. (راغب اصفهانی، بی تا، ص 180) انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رها شدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محرمان نیاز دارد. اگر خانه تامین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود.

### محل ذکر و تلاوت آیات الهی:

واذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمہ

به یاد آورید آنچه در خانه هایتان از آیات و حکمت تلاوت شده است (احزاب، 34)

آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است و نکاتی از آن برداشت می شود:

فضایلی که از خانه و خانواده نصیب انسان می شود، ارزشمند است و باید برای به کارگیری در زندگی حفظ شود.

خانواده ی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) الگوئی برای همه خانواده ها است؛ لذا باید بیش از دیگران مراقب امتثال اوامر الهی باشند. هر فرد باید حافظ شئون، موقعیت و آبروی خانواده خود باشد.

محیط آرام و مانوس خانه، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است؛ اما چنان چه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می گرداند، چنانکه خطاب به رسول گرامیش می فرماید: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال (نور، 36)

رفعت و علو حقیقی خاص خداوند متعال است؛ خانه ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و رفیع است. (مکارم شیرازی، 1373، ص 394)

آنچه از آیه فوق و تفسیر مرحوم علامه طباطبائی (المیزان) استفاده می شود، این است که اگر خانه از هر پلیدی و لوثی منزّه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزین شود، رفعت می یابد و از یک چهار دیواری سرد و بی روح خارج می شود و هر چه

صبغه ی الهی و معنویت بیشتر شود، مقامی رفیع تر که مصداق کامل آن کعبه، خانه ی

خدا است. (طباطبائی، 1363، ج 15، ص 179-178)

### محل رابطه ای قدسی:

فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم تحیه من عندالله مبارکه طیبه (نور، 61)

مقصود از سلام کردن بر خود، سلام بر اهل خانه است و اگر در اینجا نفرمود: بر اهل آن سلام کنید، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند؛ چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده است. علاوه بر این، همه مومند و ایمان، ایشان را جمع کرده، چون قوی تر از وهم و هر عامل دیگری برای یگانگی است. خداوند می فرماید: بر اهل خانه سلام کنید؛ از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگار است، عالی ترین ایجاد رابطه میان اعضای خانواده آن است که باتحیت و سلام بر یکدیگر برخورد کنند و یاد خدا میان آنان باشد. (طباطبائی، 1363، ج 15، ص 179-178) این رابطه قدسی اگر در خانه برقرار شود، به طور قطع به جامعه نیز کشانده خواهد شد. پس حقیقت سلام، گسترش امنیت و سلامتی در میان انسان هاست.

### لزوم حفظ حریم خانه:



از نظر قرآن، خانه در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد؛ به قدری که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. خداوند متعال می فرماید: یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا (نور، 27)

حصر در آیه مذکور به این معناست که خداوند ورود به خانه ی غیر را بدون اذن و سلام ممنوع می کند. حرمت این حریم را مقدس می دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می کند و می آموزد که اهل بیت باید در روابط با یکدیگر، علاوه بر رعایت همه ی شئون انسانی در برخوردشان، از راه تکلم که نزدیک ترین و شایع ترین ارتباط است، نیز این یگانگی را بیان کنند و سلام و آژه ای است که این پیام را دارد؛ علاوه بر آنکه آرزوی سلامت و امنیت از جانب سلام کننده را ابلاغ می کند (طبرسی، 1379 هـ.ق، ج 2، ص 119). از عدی بن ثابت روایت است: زنی انصاریه به نزد رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و عرض کرد: من در خانه خویش گاه گاه در شرایطی هستم که نمی خواهم هیچ کس مرا ببیند، در این حال اگر پدر، فرزند یا مردی از خویشان من وارد شوند، چه کنم؟ در جواب، آیه فوق فرو فرستاده شد. (مجلسی، 1404 هـ.ق، ج 4، ص 97)

تستانسوا یعنی تستاذنوا گفته شده است که استیناس طلب انس است (راغب اصفهانی، بی تا، ص 38) و به این معنی است که در هیچ خانه ای که ملک شما نیست وارد نشوید تا مطمئن شوید فردی در آن است و آنگاه اجازه بخواهید. ابن عباس گفت: در این آیه تقدیم و تاخر است؛ یعنی حتی تسلموا و تستاذنوا، یعنی حتی تقولوا السلام علیکم، ادخل؛ سلام مستحب است و استیذان واجب (میبدی، 1357، ج 6، ص 509) در آیه 28 از سوره ی میارکه ی نور نیز، ورود به هر خانه ای مشروط به اجازه یافتن از سوی صاحب خانه شده است. فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم اگر در خانه کسی را نیافتید، تا اجازه دریافت نکرده اید، وارد نشوید.

علاوه بر این حکم عمومی، در آیه 53 از سوره احزاب نیز ورود به خانه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بدون اذن منع شده است: یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم

ای ایمان آورندگان به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آنکه به شما اجازه دهد.

### خانواده مطلوب از دیدگاه قرآن

بنیان های پدیدآورنده خانواده خود گویای ارزش معنوی و قداست آن است زیرا قرآن مجید خانواده را نهادی مقدس و مبتنی بر چند رکن معنوی می داند که عبارتند از: آرامش و سکون، عشق و دوستی، مهربانی و شفقت و همیاری که انس و الفت نیز در بطن آن است. در این مقاله تنها به رکن عشق و دوستی که مهم ترین آنهاست پرداخته شده است.

#### ● عشق، بنیان خانواده

چون نیک بنگریم و ببیندیشیم، به روشنی درمی یابیم که عشق نه تنها رکنی از ارکان خانواده است، بلکه در قوام و بقا و تعادل بنیان های دیگر نقش بی همتا دارد تا جایی که شاید بتوان گفت، عشق روح خانواده است یا این که خانواده به راستی خانه عشق و آشیان عشق است. اندیشمندان در اثبات سخن به آیه «خلق لکم من انفسکم ازواجاً لستکنوا الیها و جعل بینکم موده ورحمه (روم، 21)» و نیز «هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها» (اعراف، 189) استناد می کنند و معتقدند: اساس روابط اجتماع درون خانواده که همانا دوستی، تفاهم متقابل و همیاری است، با ملات عشق به هم پیوسته و آمیخته است. از این دیدگاه، اشاره به نفس واحده در آیه کریمه دیگر گویای این حقیقت است که نهاد خانواده ظرف رویش روح و جان، رستگاری و بالندگی زن و مرد تا رسیدن به اوج بالندگی (کمال





انسانی) است؛ یعنی، نه مرد به تنهایی کامل است و می‌تواند به کمال برسد، نه زن. مگر با همگرایی و بودن و زیستن در محدوده خاص مقررات و دستورالعمل‌هایی که نهاد خانواده نام دارد. نهادی که سرآغاز راه رفتن به سوی کمال است. (محمودیان، 1383، ص 123)

انسانیت وقتی در عرصه معنویت استقرار می‌یابد که انسان‌ها با هم باشند و بتوانند به درستی (آن گونه که خداوند مقرر فرموده است) با هم زندگی کنند. هدف زندگی، فرجام حیات و رستگاری یا گمراهی هر انسان در وجود «انسان‌های دیگر» است. تعامل و همزیستی انسان‌هاست که همه مقوله‌های مطرح و قابل فهم در عرصه حیات و زندگی او را معنا می‌بخشد. خوبی و بدی، خوشبختی یا بدبختی، آرامش و تلخکامی، فقط در تعامل و اصطکاک روابط انسان‌ها معنا می‌یابد. پس انسان اجتماعی است و غیر از زیستن در اجتماع راه چاره‌ای ندارد.

نخستین اجتماعی که آدمی در آن بار می‌آید تا زیستن در جامعه بشری و همیاری و همزیستی با انسان‌های دیگر را به اقتضای فطرت بشری فراگیرد، خانواده است. یعنی نخستین هسته پیدایش اجتماع، چون جامعه بشری را به پیکری واحد تشبیه کنیم، خانواده را می‌توانیم نخستین سلول پدیدآورنده آن بدانیم.

به اعتبار این فلسفه وجودی، اندیشمندان می‌گویند: خانواده هم مکتب شایسته پرورش انسان و اجتماعی شدن اوست، هم پناهگاه و مأمن او تا سختی‌های زیستن در اجتماع بشری و مراوده و معاشرت و ارتباط با انسان‌های دیگر را با دستیابی به ابزارها و امکانات لازم که در نهاد خانواده است و دیگر اعضای خانواده در دسترس او می‌گذارند، تاب آورد. با این همبستگی اخلاقی و حقوقی، احساس وظیفه بیش از خواست و نیاز جنسی در روابط زن و مرد اهمیت می‌یابد و با این انگیزه است که زن و مرد می‌توانند عشق را با اخلاق درآمیزند تا محیط مساعدی برای رشد جسمانی و اعتلای معنوی و اخلاقی فرزندشان فراهم آید.

ماهیت خانواده به گونه‌ای است که احساس و عاطفه در آن حرف اول را می‌زند و چنان که یک صاحب نظر می‌گوید: «طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه چندان سازگار نیست» و قانون در ایجاد نظم خانوادگی تأثیر اندک دارد؛ حال آن که درهای خانواده همیشه به روی ارزش‌های دینی و اخلاقی گشوده است. چون گلزاری که تشنه نور و پرتو آفتاب است، نه تنها از آن رمق و جان می‌گیرد که حیات و دوام و بقایش بسته به تابش نور است. (بندرچی، 1379، ص 76)

دکتر سید مصطفی محقق داماد، در تحلیل ژرفکاوانه اش، موضوعی جالب را مطرح کرده است: بیشتر واژه‌های به کار رفته در مورد نهادهای حقوقی در روابط اعضای خانواده به گونه‌ای است که واژه ویژگی اخلاقی و عاطفی دارد، چنانکه واژه صداق مفهوم صدق و صفات را دربردارد یا این که «نحله» مفهوم اخلاقی هدیه دادن به همسر را برمی‌تابد. وی در «حقوق خانواده» با اشاره به این که عقد نکاح در اسلام صرفاً یک قرارداد حقوقی نیست، بلکه پیمانی عاطفی، اخلاقی و حقوقی است، آورده است: حکمای باستان به نقش اصلی و محوری عاطفه و اخلاق در تنظیم قانون خانواده توجه کرده اند، رخنه دولت را به این سرای مردمی زیانبار و خطرناک دانسته اند و در بخش بندی حکمت عملی، تدبیر منزل را از سیاست مدن جدا کرده اند تا مرز قاطع و طبیعی میان دولت و خانواده نمایان شود.

به گفته محقق، در این جداسازی، حق با حکماست، زیرا تجربه نشان داده است که دولت‌ها، بخصوص دولت‌های سکولار، هرگاه خواسته اند به استناد قوانین خودساخته، خود را به خانواده تحمیل کنند، به آن آسیب زده اند. ناگزیر، به ویرانی کمر بسته اند تا مانع خودکامگی و قدرت‌نمایی شان را از میان بردارند یا این که به ساختن چارچوب بیرونی آن بسنده کرده اند تا مشکل دلخواه را به آرامی مستقر سازند. اما قوانین برگرفته از ادیان الهی که مبتنی بر اصول و مبانی اخلاقی است، به گونه دیگری است. (رک؛ محقق داماد، 1372، صص 62-68)

حکیم، شیخ رئیس ابوعلی سینا، در رساله‌ای به منظور تشریح جایگاه و اهمیت خانواده و ارکان آن [تدابیر المنازل یا السياسات الاهلیه (یک بار هم با عنوان «فی السیاسه المنزلیه» چاپ شده است)] و چگونگی روابط میان زن و شوهر و همچنین پدر و مادر و فرزندان، تصویری روشن از خانواده مطلوب برای تربیت فرزندان شایسته که اساس پدیدآمدن جامعه صالح است، ترسیم کرده است.



ابن سینا در تبیین هدف های خانواده مطلوب مبتنی بر موازین اخلاقی و عاطفی دین محور، بر ۳ انگیزه اقتصادی، اجتماعی و همچنین محبت و آرامش تأکید کرده است. نظر او در توجیه نخستین انگیزه حاکی است: «انسان برای حفظ دارایی خویش و نگهداری آن برای زمان نیازمندی، به مسکن و بیت نیاز دارد و این همسر است که می تواند در این امر شریک و همراه مناسبی برای او باشد.» به گفته ابن سینا، زن شایسته شریک مرد، نگهبان مال او، جانشین او در خانه و امین او در تربیت فرزندان است.»

ابن سینا در «الشفاء الهیات» ازدواج را «برترین رکن مدینه» توصیف کرده و در تبیین انگیزه اجتماعی تشکیل خانواده گفته است: «فرزندی نیاز است تا هنگام ناتوانی و به وقت پیری، یاور پدر و مادر باشد و نسل ایشان را تداوم بخشد و یاد ایشان را پس از مرگ زنده بدارد.» به گفته ابن سینا، سکون و آرامش درونی هم در سایه ازدواج و گزینش همسر پدید می آید و این نکته، به روشنی مبین تأثیرپذیری ابن سینا از قرآن است. (رک؛ هاشمی رکاوندی، بی تا، ص 94)

نکاتی که در امر ازدواج باید رعایت شود، به نظر ابن سینا، به این شرح است:

#### ■ قانونی شدن

نخستین امری که باید از سوی قانونگذار به صورت قانون و سنت درآید، ازدواج است و با مشروع شناخته شدن ازدواج، هرگونه ارتباط جنسی خارج از محدوده ازدواج، نامشروع شناخته خواهد شد.

#### ■ تشویق و تحریض

مدیران امور مدینه باید مردم را به ازدواج تشویق و دعوت کنند.

#### ■ علنی بودن

ازدواج باید آشکار و علنی باشد، زیرا این امر از بروز تردید در نسبت و نیز اختلال در انتقال میراث اشخاص پیشگیری می کند. به گفته محقق داماد، این نکته در نصوص نبوی نیز آمده است: «اعلنوا النکاح ولو بالدف» (حرعاملی، 1403 هـ.ق، ج 7، ص 39) یعنی، نکاح و ازدواج را حتی با نواختن دف، آشکار سازید.

#### ■ ازدواج، پیمان محکم و استوار

ازدواج باید پیوندی همیشگی و مستحکم باشد و در معرض تزلزل و بی ثباتی قرار نگیرد؛ چنانکه قرآن مجید نکاح را میثاق غلیظ توصیف کرده است.

#### ■ ضرورت رشد عقلانی و جسمانی

ابن سینا سن معینی برای ازدواج توصیه نکرده، بلکه گفته است: زمان مناسب وقتی است که فرد به بلوغ جسمی و رشد عقلی برای اداره زن فرزند برسد و از نظر اقتصادی، شغل و درآمد لازم را برای معاش خانواده داشته باشد.

#### ■ تأکید بر زندگی مستقل

ابن سینا توصیه کرده است که وقتی فرزند با شغل خویش درآمدی به دست آورد، تدبیر آن است که ازدواج کند و از خانواده اش جدا شود.

شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای تدبیر خانواده اصولی دارد که دکتر محقق داماد در پژوهش های خود آنها را تبیین کرده است.

#### ■ احترام مرد

ابن سینا با استناد به آیه «الرجال قوامون علی النساء» (نساء، 34) (قرآن مجید، گفته است: در روابط زوجین، ریاست خانواده با شوهر است. زیرا اگر شوهر تحت سیطره و اطاعت زن قرار گیرد، خانواده به سبب احساسی بودن زن و پیروی از هوی و هوس، به تباهی و فساد کشیده خواهد شد. لذا به نظر او، هیبت مرد لازم است و مقصود از هیبت آن است که مرد در برابر همسر و فرزندان از احترام لازم برخوردار باشد و هیچ کس او را کوچک نشمارد.



به گفته ابن سینا، مرد برای داشتن هیبت، باید احترام خود را در خانه با مراعات و مروت حفظ کند، به وعده های خود پایبند باشد و از وعده های تحقق نیافتنی بپرهیزد.

#### ■ تکریم همسر

به نظر ابوعلی سینا، شوهر باید همسر خود را تکریم نماید و اگر بخواهد زن را به حسن رفتار و رعایت حرمت خویش وادارد، راهی جز این ندارد و با تهدید و اجبار نمی تواند به این هدف دست یابد. زیرا وقتی زن کرامت خود را ببیند، در حفظ و تداوم آن می کوشد و از زوال آن می ترسد.

ابن سینا در تبیین آنچه سبب تکریم زن می شود نیز ۳ نکته مهم را به این شرح مورد توجه قرار داده است:

#### ■ دادن زینت نیکو به همسر

به گفته ابن سینا، با توجه به طبع زن و علاقه اش به زینت، مرد باید با توجه به وضع ظاهری وی، به شخصیت زن احترام بگذارد.

#### ■ حفظ حجاب زن

ابن سینا با استناد به دستور شریعت اسلامی، رعایت ستر و پوشیدگی زن از بیگانگان را از ضرورت های تکریم و احترام زن دانسته و بر آن تأکید کرده است.

#### ■ پرهیز از برانگیختن حسادت زن

ابن سینا، مرد را از توجه داشتن به زنی غیر از همسر خود و تحسین و تمجید او نزد همسرش برحذر داشته و گفته است این رفتار با هیبت مرد که رکن خانواده است، منافات دارد و سبب بروز نفرت و خصومت میان زن و شوهر می شود. از این رو، سعادت خانواده و ضرورت پیروی از فضائل اخلاقی حکم می کند که شوهر از این شیوه رفتار بپرهیزد.

#### ■ اهمیت اشتغال زن

ابن سینا در «تدابیر المنازل» به مسأله اشتغال زن نیز پرداخته و گفته است: زن اگر بیکار باشد، از نظر اخلاقی به بیراهه کشیده می شود، احساس پوچی و بیهودگی می کند و خود را با کارهای لغو و بیهوده مشغول می سازد؛ از این رو، مرد باید همسرش را به امور مهمه مشغول سازد.

نکته مهم دیگر در نظرات ابن سینا چگونگی خروج زن از خانه است، او در این باره گفته است: «در تربیت اسلامی، خروج زن از منزل باید با توافق همسرش باشد و این توافق ممکن است همراه با قرارداد ازدواج حاصل شود، در غیر این صورت، اگر شوهر خروج بی اجازه را با مصالح خانوادگی منطبق نبیند، می تواند از آن جلوگیری کند. (رک؛ محقق داماد، 1372، ص 170)

#### اهمیت خانواده در دوران کودکی

نوزاد، نخستین تعامل خود با محیط را در خانواده آغاز می کند. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می شود و کودک اندک اندک در فرآیند رشد اجتماعی قرار می گیرد. به نظر روان شناسان، سال های اولیه کودکی، در رشد شخصیت و آینده او نقشی بسزا دارد. بیشتر شناخت های کودک از خود، اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد. میزان سلامت جسمانی و روانی کودک، بسته به ارتباطی است که خانواده با وی دارد و اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازد. کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تأمین نمی شوند، به انواع سختی ها دچار می گردند. مشکل این کودکان، بیشتر با شیطنتها، دروغ گویی ها و حرف نشنیدن های ساده آغاز می شود و با توجه به وضع نابسامان خانواده، به بزه کاری ها و جنایت های دوران بزرگسالی می انجامد. (شعاری نژاد، 1382، ص 57)

#### اهمیت خانواده در دوران نوجوانی

ویژگی مهم دوران نوجوانی، استقلال طلبی نوجوان است. او می خواهد به شیوه ای، رشد و استقلال خود را به خانواده ثابت کند.



بر این اساس، فاصله میان خود و خانواده را بیشتر می‌کند و به گروه هم‌سالان نزدیک می‌شود. در صورتی که خانواده در این دوران با کارکردهای اساسی خود آشنا نباشد و ویژگی‌های دوران نوجوانی را نشناسد، کارکرد تربیتی درستی نخواهد داشت. چه بسا رفتارهای نادرست اعضای خانواده و فضای نامناسب آن، نوجوان را بیشتر از این محیط دور سازد. (شرفی، 1372، ص 44)

### تربیت نسل توحیدی

از تکالیف والدین؛ کوشش در رشد و پرورش استعدادها ی کودک در حد امکان و توانایی؛ مراقبت در رفتار و کردار خود در جایگاه الگوی کودک؛ اعمال نفوذ در طفل برای یافتن کرامت نفس است. برای رسیدن به این اهداف خانواده باید مرکز آموزش اخلاق؛ دفاع از حق و پرهیز از غرور بیجا باشد. چرا که که کودک بیشتر وقت خود را در خانه می‌گذراند. از این رو مسایل بیشتری را به ویژه در جنبه های اخلاقی و رفتاری می آموزد.

فرزندان در خانواده هایی که قرآن و آموزه های آن را الگوی خود قرار داده اند. مورد تکریم و احترام قرار گرفته و با شخصیت بار می آیند؛ به سئوالات آنها به صورت منطقی و متناسب با میزان درک و فهم آنها پاسخ داده می شود؛ شجاع بار می آیند. در این گونه خانواده ها پدر و مادر بی جهت بین فرزندانش فرق نمی گذارند و از این طریق حس حسادت و کینه توزی که یکی از رذایل اخلاقی است را از بین برده و حس عدالت پروری را تقویت می کنند. (کاسمی، بی تا، ص 73)

در سخنی امیر مؤمنان امام علی (ع) به فرزندگرامیش امام حسن (ع) فرمود:

(وانما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شيء قبلته)

قلب کودکان چونان زمین کاشته نشده آمادگی پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. (دشتی، 1386، نامه 31 ص 381)

### نتیجه گیری

با مطالعات انجام شده روشن شد که خانواده پایدارترین و اساسی ترین نهاد انسانی است که با تأسی از الگوها و نمونه هایی که دین اسلام در کتاب خود قرآن از آنها یاد کرده، همچنین توجه به کارکرد و جایگاه خانه در قرآن و اهمیت به بنیان های پدیدآورنده خانواده می تواند سعادت و بهروزی را نصیب زندگی خود و جامعه کند و بتواند بهترین عواملی که باعث موفقیت و سعادت مندی خانواده می شود را در زندگی خود پیاده کند و از این طریق جامعه را از هرگونه پلیدی و رجس پاک کند...

### فهرست منابع

- 1- قرآن کریم، 1378. ترجمه مکارم شیرازی، ن. قم، امیرالمومنین.
- 2- بندرچی، م، 1379. نگاهی به قوانین خانواده در قرآن کریم، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- 3- بهشتی، ا، 1385. خانواده در قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب.
- 4- حرعاملی، م، 1403 ه. ق. وسایل الشیعه، جلد 7، تهران، مکتبه السلامیه.
- 5- دشتی، م، 1386، ترجمه نهج البلاغه، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین.
- 6- راغب اصفهانی، بی تا. المفردات الالفاظ القرآن، قم، موسسه فرهنگی دارالذکر.
- 7- شرفی، م، 1372. دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت.
- 8- شعاری نژاد، ع، 1382. روان شناسی رشد نوجوانی و جوانی تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- 9- طباطبایی، م، 1394 ه. ق، تفسیر المیزان، بیروت، جلد 15، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- 10- طبرسی، ح، 1379. مجمع البیان، جلد 2، بیروت، دار احیاء التراث العربی.



- 11-كاسمي، ن، بي، تا، آنچه يك جوان بايد بداند، تهران، اميري.
- 12-مجلسي، م، 1404. بحار الانوار، بيروت، جلد 4، موسسه آل البيت.
- 13-مطهري، م، 1376. نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا.
- 14-مكارم شيرازي، ن، 1373. تفسير نمونه، جلد 4، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
- 15-محقق داماد، م، 1372. حقوق خانواده، تهران، مركز نشر علوم اسلامي.
- 16-محموديان، م، 1383. قرآن در خانواده ، ترجمه و مفاهيم قرآن به صورت پرسش و پاسخ و مسابقه، قم، منشور وحی.
- 17-مبيدي، ا، 1357. كشف السرار و عده الابرار، جلد 6، تهران دارالكتب اسلاميه.
- 18-هاشمي ركاوندي، بي، تا. مقدمه اي بر روانشناسي زن، قم، انتشارات شفق.